

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۷۰)

۷۰



- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری / ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور / ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند / ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنائع والاوزان» سیف جام هروی... / امید شاه‌مرادی / ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی / ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی و نیچه / ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفق / ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو / ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی / ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم / ۱۹۹



فهرست

- سخن سردبیر..... ۵
- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور..... ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند..... ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنایع والاوزان» سیف جام هروی و... / امید شاه‌مرادی..... ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی..... ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی وینیچه..... ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفقت..... ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو..... ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی..... ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم ۱۹۹
- چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی..... 3

اقتباس شیرعلی خان لودی از «جامع الصنایع والاوزان» سیف جام هروی و نکاتی در تصحیح «مرآة الخیال»

امید شاه‌مرادی*

چکیده

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحقیق در آثار ادبی، شناسایی منبع یا منابع احتمالی یک متن است. این‌گونه تحقیقات ضمن این‌که از جهت روابط بینامتنی مهم است، می‌تواند در رفع نارسایی‌هایی که به متن مقصد راه یافته است نیز مفید باشد.

پژوهش حاضر که شامل مقایسه بخشی از مرآة الخیال شیرعلی خان لودی با جامع الصنایع والاوزان سیف جام هروی است، نشان می‌دهد که لودی در تدوین قسمتی از تذکره خود، بی‌آنکه نامی از جامع الصنایع ببرد، از آن بهره برده است. تا قبل از این پژوهش، تنها منبعی که روشن شده بود در تدوین بخشی از آن، از جامع الصنایع استفاده شده، کشف اصطلاحات الفنون بود که مؤلف آن، صریحاً از جامع الصنایع نام برده است. اکنون معلوم می‌شود که لودی ۵۶ سال قبل از آن، در تدوین کتاب خود از جامع الصنایع، بهره برده است. در بخش دیگر این پژوهش، با تکیه بر جامع الصنایع، برخی نارسایی‌های مرآة الخیال بررسی، و شماری از ضبط‌های ناصحیح آن اصلاح شده است.

کلیدواژه‌ها: تصحیح، سیف جام هروی، جامع الصنایع والاوزان، شیرعلی خان لودی، مرآة الخیال

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۵

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد / o.shahmoradi1988@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در تحقیقات ادبی همواره مورد توجه بوده و باعث پیشبرد آن شده، منبع‌شناسی و یافتن مآخذ مورداستفاده در متن‌های ادبی است. این‌گونه پژوهش‌ها علاوه بر این‌که نشان می‌دهد که یک متن پس از نگارش چه تأثیراتی می‌تواند داشته‌باشد، موجب می‌شود که از خلال آن بسیاری از نارسایی‌ها و خطاهای متن مقصد و حتی گاه مبدأ (به دلیل نامضبوط بودن نسخ موجود، خطاهای مصحح و...) برطرف شود. هدف اصلی این پژوهش این است که نشان دهد شیرعلی خان لودی، از ادیبان و تذکره‌نویسان ابتدای سده دوازدهم، در بخشی از کتاب خود موسوم به مرآة الخیال، از جامع الصنایع، اثر بلاغی سیف جام هروی، بدون این‌که نامی از آن ببرد اقتباس فراوانی کرده است. همچنین به این مسئله پرداخته خواهد که با توجه به متن جامع الصنایع، می‌توان برخی از نابسامانی‌های راه‌یافته به متن چاپی مرآة الخیال را برطرف کرد.

پیش‌تر روشن شده بود که تهانوی، در تدوین کشف اصطلاحات الفنون خود، ضمن ذکر نام جامع الصنایع، از این متن بهره برده است، در صورتی که تأثیرپذیری از جامع الصنایع به قبل از تألیف کشف می‌رسد که نشان از مقبولیت و رواج جامع الصنایع حداقل در سده دوازدهم دارد. این‌که محمود فتوحی نوشته: «تهانوی [د. ۱۱۵۸ق] در کشف اصطلاحات الفنون، این کتاب (جامع الصنایع) را اشتباهاً به امیر خسرو دهلوی نسبت داده (ذیل «طرز») (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۱۷۹؛ نیز همو، ۱۳۷۹: ۱۵۹) براساس استنباطی ناصحیح از سخن تهانوی در کشف، صورت گرفته است؛ زیرا تهانوی آنچه را ذیل «طرز» و طرز «خسروانه» نوشته نه سخن خود او، بلکه قولی است که عیناً از متن جامع الصنایع نقل کرده است. او ذیل «طرز»، تحت تأثیر آنچه عیناً در جامع الصنایع آمده (نک. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۲۴۸-۲۴۹)، نه طرز شاعری و از جمله طرز خسروانه را که طرز امیر خسرو است، برشمرده و با عبارت «کذا فی جامع الصنایع» ارجاع به متن جامع داده است. همین مسئله موجب شده که فتوحی تصور کند که تهانوی، جامع الصنایع را نوشته امیر خسرو دهلوی دانسته است. اینک برای روشن شدن مطلب، دو متن با یکدیگر مقایسه می‌شوند:

کشف اصطلاحات الفنون	جامع الصنایع
<p>الطرز: ... و جمله طرزها نه طرزند ... خسروانه: و این طرز حضرت امیر خسرو دهلوی است و این جامع جمیع لطایف نظم و محتوی تمام کمالات سخن است... و حضرت امیر خسرو فرموده که دانش پنج است و آن چون پنج گنج: «حکیمانه» و «فاضلانه» و «عاشقانه»^۲، «خوب طبعانه» و «شاعرانه»؛ [«حکیمانه» و «کاملانه» یکی دانسته است و «فاضلانه» و «مترسلانه»]^۳ یک شمرده اند^۴ و «محققانه» و «مدققانه» را «شاعرانه» گفته اند و «ندیمان» را «خوب طبعانه» نام نهاده اند. کذا فی جامع الصنایع (تهانوی، ۱۸۶۲: ۹۰۷/۲).</p>	<p>از تمهید این مبانی ... نه طرز پیدا شد... خسروانه: و این طرز خسرو شاعران است و این چنان است که جامع جمیع لطافت^۱ نظم و محتوی کمالات سخن باشد. و آنکه خسرو شاعران، علیه الرحمة والغفران، نبشته است که دانش پنج است و این چون پنج گنج است: «حکیمانه»، «فاضلانه»، «عاشقانه»، «خوب طبعانه»، «شاعرانه»، «حکیمانه» و «کاملانه» یکی دانسته است و «فاضلانه» و «مترسلانه» یکی شمرده و «محققانه» و «مدققانه» را «شاعرانه» گفته و «ندیمان» را «خوب طبعانه» نام نهاده (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۲۴۷-۲۴۹).</p>

جامع الصنایع کتابی است بلاغی دارای چهار قسم که هر قسم نیز شامل دو باب است. از آنجا که این کتاب برای مطالعه شخص فتح خان (پسر فیروز شاه تغلق) تدوین شده و این شاهزاده در اوان جوانی و سال ۷۷۸ق (عقیف، ۱۳۸۵: ۴۹۳) و به قولی ۷۷۶ق درگذشته است (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱/۴۹۳؛ بداؤنی، ۱۳۸۰: ۱/۱۷۳)، بنابراین این کتاب باید قبل از مرگ شاهزاده نوشته شده باشد. کتاب از جهت در بر داشتن مطالب مربوط به نقد ادبی و سبک‌شناسی بسیار تازگی دارد (نک. فتوحی رودم‌معجنی، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۷۷). همچنین برای بررسی سیر تطوّر بلاغت فارسی، به‌ویژه در شبه‌قاره، این متن می‌تواند دارای ارزشی فراوان باشد.

مرآة الخیال تألیف شیرعلی خان لودی است که تألیف آن در سال ۱۱۰۲ق در هند به انجام رسیده است (لودی، ۱۳۹۷: ۲۸۵). این تذکره، چنان‌که گلچین معانی نیز گفته

۱. ظاهراً «لطایف» صحیح است.

۲. کشف: عاشق؛ متن مطابق جامع.

۳. در کشف این قسمت افتاده است که از جامع افزوده شد.

۴. کشف: ثمره‌اند؛ متن تصحیح قیاسی.

(گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۲)، در شرح حال ۱۳۱ شاعر و از جمله آنها پانزده شاعره است.^۱ این متن علاوه بر این که تذکره شاعران از قدیمی ترین ایام - روزگار رودکی - تا شاعران هم عصر مؤلف را در برمی گیرد، شامل ابوابی نظیر علم اخلاق، بیان انواع خط، موسیقی، بلاغت، علم تعبیر خواب، عروض و... نیز می شود که آن را تبدیل به یک دایرةالمعارف کرده است (برای اطلاع از مباحث این کتاب و شرح حال مؤلف، نک. نقوی، ۱۳۴۳: ۲۲۰-۲۲۹).

۲. بحث و بررسی

این بخش از پژوهش، دو بخش کلی را در برمی گیرد؛ نخست، موارد مشابهت و اختلاف میان جامع الصنایع و مرآة الخیال گفته خواهد شد و سپس، برخی از نابسامانی های راه یافته به مرآة الخیال، با تکیه بر جامع الصنایع مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۱. مقایسه مرآة الخیال با جامع الصنایع

شیرعلی خان لودی بخش «صنایع شعری و دقایق سخنوری» کتاب خود را، به جز چند مورد معدود و محدود که ذکر آن خواهد آمد، بدون این که نامی از جامع الصنایع ببرد، از این منبع اقتباس کرده است. این تأثیرپذیری گاهی لفظ به لفظ، و گاهی خلاصه مطلبی از جامع الصنایع است. سه نمونه از این تشابهات ذیلاً ذکر می شود:

مرآة الخیال	جامع الصنایع
<p>بدیع: آن است که معانی و لطایف تازه برانگیزد و تشبیهات و صنایع نو ایجاد نماید؛ مثال:</p> <p>فلک جلال تو را وزن کرد با مه خود به پله ای که تو بودی سبک گران آمد اگر نبود گران سوی تو بگوی چرا تو بر زمینی و ماهش بر آسمان آمد</p> <p>(لودی، ۱۳۹۷: ۹۷)</p>	<p>بدیع و مخترع: آن است که معانی و لطایف از انگیخته خود پیدا آرد و تشبیهات و صنایع نو انگیزد؛ مثاله:</p> <p>فلک جلال تو وزن کرد با مه خویش به پله ای که تو بودی سبک گران آمد اگر نبود گران سوی تو بگوی چرا تو بر زمینی و ماهش بر آسمان آمد...</p> <p>(سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۵۷-۱۵۸)</p>

۱. فتوحی تعداد شعرای این تذکره را ۱۴۱ شاعر و از جمله ۱۴ شاعر زن دانسته (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۲۵۲) که بنابر احصای نگارنده همان گفته گلچین معانی صحیح است.

یا این مثال:

مرآة الخیال	جامع الصنایع
<p>ترصیع: آن است که الفاظ را به دو قسم آورد و تمام الفاظ قسم دوم، موافق قسم اول باشد، هم در عدد حروف و هم در حرکات و سکانات، و در هر لفظ رعایت قرینه کند، مثال:</p> <p>ای مصوّر ز تو کمال صفا وی منوّر ز تو جمال وفا (لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۰)</p>	<p>ترصیع: و این صنعت چنان است که الفاظ را به دو قسم آرد، جمله الفاظ قسم دوم را موافق قسم اول، هم در عدد حروف و توافق حرکات و سکانات و قرینه آخر در هر لفظ؛ مثاله:</p> <p>ای مصوّر ز تو کمال وفا وی منوّر ز تو جمال صفا^۱ (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۷۰)</p>

و نیز این نمونه:

مرآة الخیال	جامع الصنایع
<p>استتیاع: چنان است که ممدوح را بر وجهی مدح کند که از آن مدّعی دیگر خیزد، مثال:</p> <p>ذات تو^۲ آندر سخا ابریست کاندر سایه اش عالم از گرمای فتنه جمله در آسایش است ذات ممدوح را تشبیه داده به ابری که صفتش سخاست، و در این معنی مدّعی دیگری برمی آید که پناه عالم است و سبب قلع ظالم (لودی، ۱۳۹۷: ۹۸).</p>	<p>استتیاع: و این چنان است که ممدوح را بر وجهی مدح کند که از آن مدح مدحی دیگر خیزد؛ مثاله:</p> <p>ذات تو آندر سخا ابریست کاندر سایه اش عالم از گرمای فتنه جمله در آسایش است ذات ممدوح را در سخا به ابر تشبیه کرد و گفت ابری است که در سایه او از گرمای فتنه عالمی خلاص دارد؛ پس از آن مدحی که خواننده بود، مدحی دیگر حاصل شده و آن، آن است که پناه عالمی است و سبب قلع ظالم است (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۳).</p>

برای دیدن موارد بیشتر نک. ص ۱۴۶-۱۴۷ جامع و مقایسه آن با ص ۹۷ مرآة (ذیل صنعت «ذوالمعین»); ص ۱۵۳ جامع و مقایسه آن با ص ۹۷ مرآة (ذیل صنعت «خیال»); ص ۱۵۸-۱۵۹ جامع و مقایسه آن با ص ۹۷ مرآة (ذیل صنعت «توجیه واقعه/توجیه»); ص ۱۶۲-۱۶۳ جامع و مقایسه آن با ص ۹۸ مرآة (ذیل صنعت «حسن التعلیل»); ص ۱۶۴ جامع و مقایسه آن با ص ۹۹ مرآة (ذیل صنعت «استخدام»); ص ۱۸۴ جامع و مقایسه آن با ص ۱۰۱ مرآة (ذیل صنعت «اشتقاق»); ص ۱۸۵ جامع و مقایسه آن با ص ۱۰۱ مرآة (ذیل صنعت «تضمین»);

۱. در متن چاپی به اشتباه «وفا» ضبط شده است که مطابق ص ۱۲۶ از نسخه ش ۸۴۵۳ (نسخه اساس کتاب) اصلاح شد.

۲. در متن چاپی «دولت» آمده اما چنان که در ادامه گفته خواهد شد «ذات تو» صحیح است.

ص ۱۸۶ جامع و مقایسه آن با ص ۱۰۲ مرآة (ذیل صنعت «تقسیم مسلسل»); ص ۱۸۷ جامع و مقایسه آن با ص ۱۰۲ مرآة (ذیل صنعت «حسن الطلب»).

با توجه به تشابهات فراوانی که بین جامع الصنایع و مجموعه لطایف، اثر دیگر سیف جام، هست (نک. شاه مرادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۶)، ممکن است این ابهام ایجاد شود که احتمال داشته است شیرعلی خان به جای جامع الصنایع، از مجموعه لطایف بهره برده باشد؛ اما به دلیل اشتراک صناعی مانند مخترع، حسن تعلیل، استتباع، استخدام و... در مرآة الخیال و جامع الصنایع، و نبود آنها در مجموعه لطایف، می توان مطمئن بود که شیرعلی خان، قطعاً از جامع الصنایع استفاده کرده است نه مجموعه لطایف.

در کنار مشابهت های فراوان این دو متن، معدود تفاوت هایی نیز بین آنها دیده می شود که می توان آنها را ذیل «مثال ها»، «تعاریف»، «تعاریف و مثال ها» و «نام گذاری صنایع» طبقه بندی کرد.

در حوزه مثال ها، مثلاً، می توان به مثال هایی اشاره کرد که لودی ذیل صنعت «مبالغه» آورده است. از مجموع سه مثال او، دو مورد در جامع الصنایع دیده نمی شود (لودی، ۱۳۹۷: ۹۸؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۰)؛ و یا از نمونه هایی که او ذیل هفت نوع تشبیه آورده است، تنها یک مثال آن در جامع دیده می شود (لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۱؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۸۱-۱۸۲).

در قسمت «تعریف» نیز، تعریف «حسن مقطع» با آنچه در جامع الصنایع آمده متفاوت است (لودی، ۱۳۹۷: ۹۹؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۸۷). به علاوه، در بخش «موشح» نیز این دو منبع با یکدیگر اختلاف دارند (لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۳؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۹۴) که نگارنده به این دلیل که لودی انواعی مانند مشجر و مجسم و مصور و... را ذیل صنعت «موشح» برشمرده، حدس می زند او این صنعت را تحت تأثیر کتاب المعجم شمس قیس رازی نوشته که موارد مذکور، در آن «از اصناف موشح» دانسته شده است (لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۳؛ قس. شمس قیس، ۱۳۸۸: ۴۰۲-۴۰۵).

در بخش «تعریف و مثال»، به عنوان نمونه، صنعت «التفات» و مثال آن که از شعر طالب آملی انتخاب شده است طبیعتاً در جامع نباید باشد (لودی، ۱۳۹۷: ۹۹).

در پایان، باید از تفاوت مرآة الخیال با جامع الصنایع در نام‌گذاری صنایع نام برد؛ چنانکه لودی به جای «محتمل الصنایع» جامع الصنایع، «مدح بما یشتبه الذم» آورده (همان‌جا؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۵)، و در عوض «تفریح»، اصطلاح «اعتلاق» را به کار برده (لودی، ۱۳۹۷: ۹۹؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۵)، و همچنین به جای «احتجاج بالدلیل» جامع، «استدلال» را انتخاب کرده است (لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۰؛ قس. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۶).

۲-۲. بررسی برخی از ضبط‌های مرآة الخیال با تکیه بر جامع الصنایع

چنان‌که گفته شد، یکی از کارکردهای شناسایی منابع مورد استفاده مؤلفان در متون کهن، اصلاح خطاها و افتادگی‌هایی است که ممکن است به متن مقصد راه یافته باشد. در ادامه، برخی از خطاهای مرآة الخیال با استفاده از جامع الصنایع بررسی خواهد شد.

- در مصراع اول بیت:

دولت اندر سخا ابریست کاندرا سایه اش عالم از گرمای فتنه جمله در آسایش است
(لودی، ۱۳۹۷: ۹۸)

ضبط «دولت» صحیح نیست و مطابق جامع الصنایع، باید به «ذات تو» اصلاح شود (نک. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۳). اتفاقاً توضیحات خود لودی ذیل این بیت، همین ضبط جامع را تأیید می‌کند (نک. لودی، ۱۳۹۷: ۹۸).

- مؤلف مرآة الخیال صنعت مبالغه را به سه نوع «تبلیغ»، «ابلق» و «اغراق» تقسیم کرده است (همان‌جا) که قطعاً نام دوم و سوم (ابلق و اغراق) صحیح نیست. مؤلف «ابلق» را این‌گونه تعریف کرده است: «... و آن چنان است که مدعا ممکن بود عقلاً نه عاده» و «اغراق» را این‌گونه: «... آن چنان است که محال مطلق ذکر شود» (همان‌جا). در جامع این تقسیم‌بندی به صورت «تبلیغ»، «اغراق» و «غلو» آمده است و چنان‌که در جایی دیگر گفته شده است (شاه‌مرادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۵)، سیف جام این تقسیم‌بندی را عیناً از الايضاح فی علوم البلاغة خطیب قزوینی اقتباس کرده است. بنابراین این نام‌گذاری نباید صحیح باشد و آنچه لودی «اغراق» نامیده، در کتب بلاغی دیگر مصداق «غلو» است (نک. الخطیب القزوینی، ۲۰۰۲: ۲۷۵-۲۷۶؛ حسینی نیشابوری، ۱۳۸۴: ۲۰۱-۲۰۲؛ صدیقی

جیویی، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۹). بنابراین «اغراق» نام نوع دوم تقسیم‌بندی مذکور است و باید به جای «ابلاغ» آورده شود؛ و «غلو» نیز نام نوع سوم آن به حساب می‌آید.

- همچنین در بیت زیر:

هست دستان در سپاهت راست رستم چاکرت
ور بدان گیری جهان الحرب خدعه گفته‌اند
(لودی، ۱۳۹۷: ۹۹)

ضبط «راست» در مصراع اول، چنان‌که از معنای بیت نیز برمی‌آید، صحیح نیست و ضبط «زانست» در جامع الصنایع درست است (نک. سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۶۴).

- در بیت زیر:

تا همچولب تو دیده‌ام مرجان را
خواهم که کنم فدای تو مرجان را
(لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۰)

ضبط «تو» در مصراع دوم، ارتباط منطقی دو مصراع و زیبایی نهفته در بیت را زایل کرده است، زیرا شاعر می‌گوید: «از زمانی که مرجان را چون لب تو دیده‌ام (وجه‌شبه: سرخی)، می‌خواهم جانم را فدای او (مرجان) کنم» نه این‌که جانم را فدای تو کنم! بنابراین، ضبط جامع الصنایع صحیح است که به جای «تو» در مصراع دوم، «او» آمده است (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۷۱).

- در مثال زیر:

آنسی که خداوند تو را دولت داد
عبدل تو جهان‌پرور و قهرت جان‌کاه
لاف کرم و سخا تو را شاید از آنک
محروم نگردد ز درت بنده و شاه
(لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۳)

مصراع نخست در جامع الصنایع به این شکل نقل شده است: «ای آنکه خدا داد تو را دولت و جاه» (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۹۴). با توجه به وزن این شعر - رباعی - ، و اتمام سخن در همین دو بیت، روشن می‌شود که این دو بیت در واقع رباعی بوده ولی با این ضبط مرآة، قافیة مصراع اول از بین رفته و لذا از شکل رباعی خارج شده است؛ بنابر آنچه گفته شد، ضبط صحیح همان ضبط جامع الصنایع است.

- دیگر این‌که در صفحه ۱۰۰ بعد از سطر ۸ و ۹ مرآة الخیال، ذیل صنعت «تجنیس»،

احتمالاً سطر یا سطوری افتاده است که برای روشن شدن موضوع به مقایسه آن با متن جامع می‌پردازیم:

مرآة الخیال	جامع الصنایع
<p>تجنیس: آن است که لفظی در صورت موافق و در معنی مغایر بود. و این چند نوع است: یکی بسیط^۲ مرکب^۳ تام^۴ که در همه ارکان متفق باشند، مثال:</p> <p>تا همچو لب تو دیده‌ام مرجان را خواهم که فدای تو (!) کنم مر جان را</p> <p>دوم مرکب تام مختلف که در همه ارکان متفق باشند جز حرکت یا بعضی از حروف، مثال:</p> <p>از فراق رخ چون گلزارت عاشق خسته زیر گل زارت</p> <p>(لودی، ۱۳۹۷: ۱۰۰)</p>	<p>تجنیس: آن است که لفظی آرد چنانکه در صورت به‌عینه باشد و به معنی مختلف، و این بر چند وجه است:</p> <p>نوع اول بسیط: و این صنعت چنان است که لفظی مقابل لفظی آرد و این دو طریق یافته شده است:</p> <p>بسیط متفق: و این چنان است که هر دو لفظ در عدد حروف و کتابت و نقط و حرکت متفق باشند، مثاله....</p> <p>دوم بسیط مختلف: و آن چنان است که در همه ارکان متفق باشند، جز در حرکت؛ مثاله....</p> <p>نوع دوم مرکب تام: و آن صنعت چنان است که مقابل لفظی که در او حروف بسیار باشد دو و یا سه لفظ اندک حروف آرد تا برابر از آن لفظ شوند و آن نیز بر دو نوع است:</p> <p>اول مرکب تام متفق: و آن چنان است که در همه ارکان متفق باشند؛ مثاله:</p> <p>تا همچو لب تو دیده‌ام مرجان را خواهم که فدای او کنم مر جان را....</p> <p>دوم مرکب تام مختلف: و آن بر دو گونه یافته آمد: گونه‌ای در همه ارکان متفق باشد جز در حرکت؛ مثاله:</p> <p>از فراق رخ چو گلزارت عاشق خسته زیر گل زارت... (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۷۱-۱۷۲)</p>

۱. در اصل کتاب «گل زارست» آمده که با توجه به صنعت مورد نظر صحیح نیست؛ این مسئله نشان از این امر دارد که حتی گاهی می‌توان از متن مقصد (به‌دلیل دسترسی مؤلف آن به نسخی مضبوط‌تر)، در جهت اصلاح برخی اشکالات متن مبدأ نیز بهره برد.
۲. روشن است که بعد از بسیط، جمله یا جملاتی که حاوی انواع بسیط (متفق و مختلف) و تعاریف و مثال‌های آنها و نیز تعریف مرکب تام بوده ساقط شده است و گرنه بسیط که مجزاً از مرکب تام است، به آن اضافه نمی‌شد و به‌صورت متناقض بسیط مرکب تام در نمی‌آمد.
۳. منظور «مرکب تام متفق» در جامع الصنایع است که در ستون سمت راست مشهود است.

- به علاوه در صنعت «براعت استهلال» نیز تمام توضیحات مربوط به این صنعت ساقط شده است؛ آنچه ذیل صنعت «براعت استهلال» در مرآة الخیال آمده تماماً مربوط به صنعت دیگری موسوم به «حسن مطلع» است که در جدول زیر نشان داده خواهد شد:

مرآة الخیال	جامع الصنایع
براعت استهلال: آن است که شاعر جهد کند تا اول بیت قصیده مدحت، مطبوع و مصنوع بود با الفاظ لطیف و حسن معنی، و از کلماتی که به فال نیک نباشد، احتراز واجب داند و چنان انشا کند که به سمع سامع نشاط و راحت رساند، مثال: ای غریو کوس در گوش تو بانگ ارغنون چرخ فام از گرد نعلت گنبد فیروزه گون ^۱ اما متأخرین، حسن مطلع را بر بیت ثانی مطلع اطلاق کنند (۴) (لودی، ۱۳۹۷: ۹۹).	حسن المطلع: آن است که در آغاز اشعار و قصاید و جمله مشآت الفاظ فصیح و جزیل و معانی بدیع و مناسب حال و مشیر بر تفائل لخیار در مطلع آرد؛ مثاله: هر روز که خورشید سر از چرخ برآرد در حضرت شه مژده فتح دگر آرد (سیف جام هروی، ۱۳۹۹: ۱۸۷)

- همچنین ذیل صنعت «التفات» بعد از بیت:

طالب نفسی تازه کن آنگاه به آهنگ
بیتی دو بخوان از غزل منتخب ما
(لودی، ۱۳۹۷: ۹۹)

حداقل یک صنعت و توضیحات آن ساقط شده و علت آن نیز این است که مثال دومی که مؤلف ذیل این صنعت آورده است:

این تویی یا به خواب می بینم
یا به شب آفتاب می بینم،
ربطی به «التفات» ندارد، بلکه مثالی است برای صنعت «تجاهل العارف». این بیت از امیرخسرو دهلوی است و علت سرایش آن ماجرای ملاقات خسرو با شمس دبیر، از شاعران برجسته شبه قاره، بوده که شرح ماجرای آن و این بیت علاوه بر جامع الصنایع (سیف جام

۱. چنان که مشهود است به دلیل این که صنعت حسن مطلع است، بیت نیز مصرع آورده شده است.

۲. مصحح در یادداشتی که مربوط به این سطر در پایان کتاب دارد، نوشته است: «ظ. پیش از این جمله، مطلبی از قلم افتاده است، با توجه به این که اصطلاح "حسن مطلع" را به کار برده است» (لودی، ۱۳۹۷: ۲۹۵). مصحح متوجه این نکته نبوده که توضیح تمام بخش براعت استهلال ربطی به این صنعت ندارد و هرآنچه در اینجا آمده، چنان که گفته شد، تماماً مربوط به صنعت «حسن المطلع» است.

هروی، (۱۳۹۹: ۱۶۶)، در مجموعه لطایف (گ ۲۱۶ر)، نیز آمده است؛ بنابراین با تکیه بر جامع و میزان اشتراکی که این متن با مرآة دارد، این قسمت را باید اصلاح کرد.

۳. نتیجه

جامع الصنایع والاوزان، یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین کتب بلاغت است که سیف جام هروی در سده هشتم آن را تألیف کرده است. این اثر همان‌طور که از منابع بلاغی پیش از خود مانند حدایق السحر رشید و طواط، الايضاح فی علوم البلاغة خطیب قزوینی و... متأثر بوده، بر برخی از آثار پس از خود نیز تأثیر گذاشته است. تاکنون تأثیر جامع الصنایع بر کشف اصطلاحات الفنون با توجه به گفته تهانوی، روشن بود، اما در این پژوهش ثابت شد که ۵۶ سال قبل از تهانوی، شیرعلی خان لودی نیز در تألیف بخش «صنایع شعری و دقایق سخنوری» مرآة الخیال، به استثنای مواردی معدود، تقریباً در تمام صنایع، تعاریف و مثال‌ها، از این متن بهره برده است؛ این اقتباس گاهی به شکل لفظ‌به‌لفظ است. همچنین معلوم شد که با شناسایی منابع آثار ادبی می‌توان، شماری از نارسایی‌های متن مقصد را با تکیه بر مآخذ مورد استفاده آن، برطرف کرد. بر مبنای همین دیدگاه، در بخشی از این مقاله برخی از افتادگی‌ها و نیز ضابط‌های ناصحیح متن مرآة الخیال با ارجاع به جامع الصنایع اصلاح شد.

منابع

- بداونی، عبدالقادر بن ملوکشاه (۱۳۸۰). منتخب التواریخ. تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، به کوشش توفیق ه. سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- تهانوی، محمدعلی بن علی (۱۸۶۲م). کشف اصطلاحات الفنون. به تصحیح مولوی محمد وجیه، مولوی عبدالحق و مولوی غلام قادر، به کوشش اویس اشپرنگر و کاپیتان ناسولیس. کلکته: بی‌نا.
- حسینی نیشابوری، عطاءالله بن محمود (۱۳۸۴). بدایع الصنایع. مصحح رحیم مسلمانیان قبادیانی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

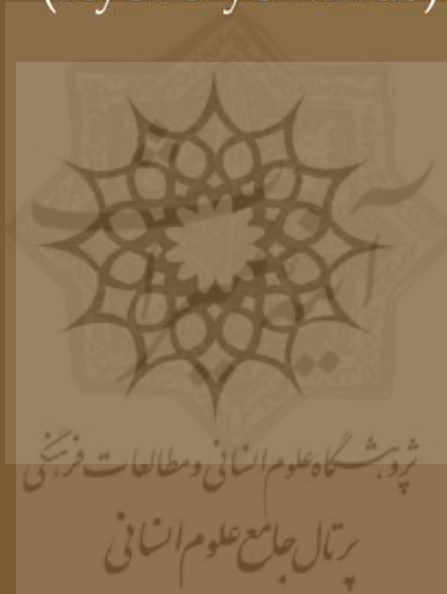
- الخطیب القزونی، جلال‌الدین محمّد (۲۰۰۲م). الايضاح فی علوم البلاغة، المعانی و البیان و البدیع. محقق: ابراهیم شمس‌الدین. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سیف جام هروی (تألیف ۷۷۸ق). جامع الصّنائع والاوزان. نسخه خطی شماره ۸۴۵۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ کتابت نامعلوم.
- _____ (۱۳۹۹). جامع الصّنائع والاوزان. تصحیح زینب صادقی نژاد. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.
- _____ (تالیف ۸۰۴ ق). مجموعه لطایف و سفینه ظرایف. نسخه خطی شماره 4110 Or. کتابخانه بریتانیا (بریتیش لایبریری)، تاریخ کتابت نامعلوم.
- شاه‌مرادی، امید، محمدجعفر یاحقی و عارف نوشاهی (۱۳۹۸). «نقد و بررسی مباحث بلاغی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف». فنون ادبی، س ۱۱، ش ۳ (پیاپی ۲۸): ۶۹-۸۲.
- شمس قیس، محمّد بن قیس (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح محمّد بن عبدالوهاب قزوینی، و تصحیح مجدّد مدرّس رضوی، و تصحیح مجدّد سیروس شمیسا. تهران: علم.
- صدیقی جیویی، احمد بن محمّد صالح (۱۳۹۴). مجمع الصّنائع فی علوم البدایع. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمّد خشکاب. تهران: سفیر اردهال.
- عقیف، شمس سراج (۱۳۸۵). تاریخ فیروزشاهی. به تصحیح ولایت حسین. تهران: اساطیر.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵). نقد ادبی در سبک هندی. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۷۹). نقد خیال. تهران: نشر روزگار.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکرة‌های فارسی. تهران: کتابخانه سنائی.
- لودی، شیرعلی خان (۱۳۹۷). تذکرة مرآة الخیال. به اهتمام حمید حسنی، با همکاری بهروز صفرزاده. تهران: روزنه.
- نقوی، سیّد علیرضا (۱۳۴۳). تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان. تهران: علمی.
- هندوشاه استرآبادی، محمّد قاسم (۱۳۸۷). تاریخ فرشته. با تصحیح، تعلیق، توضیح و اضافات محمّد رضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Table of Contents

Editorial	5
Tūr in Iran's <i>Pahlavāni</i> (heroic) texts: Introducing "The Story of Tūr b. Jahāngir" / Reza Ghafouri	9
Words ending in <i>-āy</i> and <i>-ūy</i> in Persian old texts; Some practice in the techniques of pronunciation / Masoud Rastipoor	27
Jāmi' al-ḥisāb: A Persian work attributed to Naṣīr al-Dīn Ṭūsī on <i>Ḥisāb al-hawā'</i> / Fatima Saadatmand	49
Shir Ali Khān Lūdi's adaptation from <i>Jāme' al-sanāye'</i> by Seif-e Jām of Herat, and some observations on the amendment of <i>Mer'āt al-khiyāl</i> / Omid Shahmoradi	73
Historical connection between poetic metres and musical rhythms in ancient texts / Behrad Banaie	85
"Garshāhnāmeḥ": The incorporation of <i>Garshāsbnāmeḥ</i> 's couplets into afew of the <i>Shāhnāmeḥ</i> 's MSS in accordance with the sequence of the tale / Ali Asghar Ebrahimi-vinicheh	119
The possibility that a well-known ghazal attributed to Hafiz Is not actually his / Amir Shafaqat	141
Two stolen old manuscripts of "Devalrāni Khīzr Khān" poem transcribed by Darvish Mohammad b. Ali / Mahdieh Asadi & Bijan Zahiri Nav	157
The accounts of <i>Leili o Majnun</i> in Kurdish literature / Hadi Bidak	179
Sufi <i>Arba'in-negāri</i> (compiling 40 traditions): Examination and correction of the <i>Arba'iniyāt</i> composed by Qotb al-Din Mohyi of Kūshkenār / Ehsan Pourabrisham	199

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 20, Issue No. 1 (70), 2022

